

منافع ملی ایران و هویت فرهنگی ما ایرانیان

آزادی» از سوی دیگر معتقد باشد، بالقوه عضو این ائتلاف است. هر شهروند ایرانی که به آزادی و آبادی ایران و ترویج مردم‌سالاری و عدالت در جامعه‌ی ایرانی باور دارد، از جهت نظری و عملی به این چنین ائتلاف ملی وابسته است و هر رسانه‌ی مستقل ایرانی با تلاش فرهنگی خود بی‌طرفانه و حق‌طلبانه بر حرکت و سکون این ائتلاف نظارت دارد.

در اوضاعی که هر حرکت مدنی، صنفی، فرهنگی و اجتماعی ساده با عکس‌العمل حاکمیت (حتا به قیمت نقض قانون اساسی موجود جمهوری اسلامی) روبه‌رو می‌شود، یک چنین ائتلاف فراگیر ملی دموکراتیک، می‌تواند مسائل مهمی مانند دفاع از منافع ملی، استقلال، تمامیت ارضی را توأم با تضمین حقوق شهروندی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، مسائل زیست‌محیطی در دستور کار خود قرار دهد و عملاً دیده‌بان جامعه باشد.

تک‌تک ایرانیانی که برای آینده‌ی ایران آرزوی روزهای بهتری دارند، با قبول مسوولیت شهروندی باید به خدمت و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بپردازند. مقاومت کنند و از پای ننشینند تا جامعه‌ی بهتر بسازند و فرهنگ سیاسی بهتری به آیندگان تحویل دهند. ایرانیان سرفراز برون‌مرز هم باید پس از کسب دانش، سرمایه و تجربه در فرنگ، از آن همه رفاه و امکانات چشم‌پوشند و به‌منظور خدمت به وطن به ایران باز آیند، از عمر و سرمایه‌ی مادی و معنوی خود هزینه کنند و از مواجهه با مخاطرات و حوادث تلخ نهراسند.

ما خود چنین کردیم و پس از ربع قرن اقامت در برون‌مرز به آغوش میهن خویش بازآمدیم و در راستای خدمت فرهنگی **ماهنامه‌ی حافظ** را

منتشر کردیم. نیز هم اینک پس از لغو مجوز **حافظ**، ضمن اعلام اعتراض مستند و مستدل خود به مقامات ذی‌ربط، در پاسداری و صیانت از آزادی مطبوعات می‌کوشیم. درست است که حاکمیت حاضر، قلم ما را شکسته و مجله‌ی ما را بسته است، اما اکنون که هزاران ایرانی فرهیخته در یک ائتلاف ملی دموکراتیک با محوریت اصحاب قلم و اندیشه‌ی مجدانه و با تمام قوا از ما حمایت می‌کنند و پشتیبانی خود را هم‌چنان در نشر این «نشریه‌ی داخلی» ادامه می‌دهند، در نهایت بسا که ضابطه‌مندی و قانون‌مداری بر تصمیمات سلیقه‌ی غالب آید و شهروندان فرهنگ‌مدار کشور به زودی غلبه‌ی حق را بر باطل به جشن بنشینند.

جاوید باد ایران

حسن امین

یکم خرداد ۱۳۸۶ ■

□ ایران، کشوری است با سابقه‌ی تمدنی ده هزار ساله که در گذر زمان، فراز و فرودهای بسیار دیده و به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز داشتن منابع و ذخایر بسیار، آماج یورش بیگانگان فراوان بوده است. حمله‌ی اسکندر، حمله‌ی اعراب، حمله‌ی مغول و تاتار زخم‌های بدی بر پیکره‌ی میهن ما گذاشته است و حتا در همین سده‌های اخیر هم، ایران مکرر در معرض تاخت و تاز قدرت‌های دیگر (از عثمانی و روسیه در دوره‌ی حمله‌ی افغانان گرفته تا اشغال ایران توسط انگلیس و شوروی در جنگ جهانی دوم و سرانجام حمله‌ی صدام حسین رهبر رژیم بعثی عراق پس از انقلاب ۱۳۵۷) قرار گرفته. اما ایران، دیر یا زود از پس این حمله‌ها برآمده است و هویت خود را محفوظ نگاه داشته. رمز بقای سیاسی ایران، انسجام و استحکام فرهنگ ملی ما بوده است.

فرهنگ ملی ما، برخاسته از ادبیات مشترک، احساسات میهنی، تمایلات جمعی و اراده‌ی مشترک معطوف به آگاهی ملی ماست. زبان، ادبیات، اساطیر، تاریخ، نظامات سیاسی و حقوقی و نمادهای هویت ملی و فرهنگی مان هر کدام در قوام و دوام جامعه‌ی ایرانی سهمی داشته و دارند. در طول تاریخ، البته بیش از هر چیز، نقش زبان و ادبیات فارسی (با داشتن بزرگانی هم‌چون فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی و خیام) در حفظ هویت ملی و وحدت کلمه‌ی ما با شهروندان ایران‌زمین مؤثر بوده است. چنان که از محمد حسنین هیکل (سردبیر روزنامه‌ی **الاهرام** مصر) پرسیدند که چه‌گونه مصر با داشتن فرهنگ و تمدن کهن و زبان مستقل، به یک کشور عربی تبدیل شد؟ پاسخ داد که: ما ابوالقاسم فردوسی نداشتیم!

باری، امروز ما با تکیه بر فرهنگ ملی خویش، باید با عوامل گسست و هرج و مرج فرهنگی و بحران هویتی مبارزه کنیم تا ضریب امنیتی ملی خود را در برابر هرگونه تهدید بیگانگان و بیگانه‌پرستان افزایش دهیم. به‌این منظور، همه‌ی ما ایرانیان (ضمن احترام به همه‌ی تفاوت‌های قومی، مذهبی، زبانی و سیاسی) باید مصالح ملی، استقلال و تمامیت ارضی ایران را فراتر از منافع و مصالح قومی، گروهی و جناحی خود بدانیم.

ما - ولو خاموش - در عمل، یک «ائتلاف ملی دموکراتیک» حول محور «ایران» داریم که همه‌ی اقوام، ادیان، احزاب، تشکلهای مدنی، اجتماعی، منطقه‌ی، حرفه‌ی، ادبی و هنری را نمایندگی می‌کند. هر گروه یا تشکلی که به دو محور مهم «استقلال و تمامیت ارضی ایران» از یک سوی و «دموکراسی و

